

برهم کنش فعل‌های لحظه‌ای و انواع نمود دستوری در زبان فارسی^۱

دکتر والی رضایی^۲

ژاله مکارمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۱

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

افعال لحظه‌ای، جزء افعال تغییر حالت و رویدادهایی هستند که تداوم آن‌ها چنان کوتاه است که تقریباً نادیده گرفته می‌شود. این افعال، نمود پایانی دارند و معمولاً با قیدهایی مانند «با جدیت» و «با انرژی» به کار نمی‌روند. هدف این پژوهش، بررسی تعامل افعال لحظه‌ای با انواع نمود دستوری در زبان فارسی است که در چارچوب دستور نقش و ارجاع و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام می‌گیرد. افعال لحظه‌ای در این پژوهش در دو زیرگروه افعال لحظه‌ای نقطه‌اوجی و افعال لحظه‌ای رویدادی بررسی می‌شوند. افعال لحظه‌ای نقطه‌اوجی برای تحقق معمولاً به مقدمه‌ای نیاز دارند که در طول زمانی کوتاه یا بلند انجام می‌گیرد، ولی افعال رویدادی معمولاً به چنین مقدمه‌ای نیاز ندارند. داده‌های پژوهش از وب‌گاه‌های اینترنت و گفتگوهای روزانه انتخاب شده‌اند. بررسی افعال لحظه‌ای در تعامل با نمودهای دستوری نمایانگر آن است که هر دو زیرگروه افعال لحظه‌ای، قابلیت کاربرد با نمود تام را دارا هستند. هر چند، با توجه به مشخصه غیر پویا

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/JLR.2021.32975.1919

^۲ دکترای تخصصی زبان‌شناسی، دانشیار گروه زبان‌شناسی، هیأت علمی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)؛

vali.rezai@fgn.ui.ac.ir

^۳ دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه رازی کرمانشاه؛ zh.makaremi@gmail.com

بودنِ افعال لحظه‌ای، در اغلب موارد این افعال، فاقد صورت استمراری به شمار می‌آیند. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که افعال لحظه‌ای نقطه‌اوجی و رویدادی با رفتارهای متفاوت، می‌توانند با خوانش‌هایی از جمله قریب‌الوقوع بودن، حرکت آهسته، تکرار عمل، فرافکنی اشاری و خوانش گزارشی در ساخت نمود ناقص نمایان شوند. در نمود کامل نیز می‌توانند کارکردهای تجربی، خبر داغ، کارکرد جهانی و گواه‌نمایی داشته باشند. این افعال در نمودهای تام، ناقص و کامل می‌توانند به مفهوم آینده‌نگر به کار روند که در این صورت، بافت کاربردی و وجود گروه قیدی دال بر آینده، نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: افعال لحظه‌ای، نمود واژگانی، نمود دستوری، دستور نقش و ارجاع،

زبان فارسی

۱. مقدمه

نمود به شیوه‌های مختلف، نگرش به ساختار زمانی درون فعل اشاره می‌کند (Comrie, 1976, p. 3). تجلی نمود، هم به واسطهٔ تکواژهای دستوری و هم ساختار معنایی فعل امکان‌پذیر است که نوع اول، نمود دستوری و نوع دوم، نمود واژگانی نامیده می‌شود. در واقع، نمود دستوری با عناصر تصریفی یا افعال کمکی تظاهر می‌یابد و نمود واژگانی از معنای فعل ناشی می‌شود (Rezai, 2012). طبقات نمودی وندلر (Vendler, 1957) از نخستین و تأثیرگذارترین نظریه‌ها در مطالعهٔ نمود واژگانی است (Tenny, 1987, p. 29; Peck et al., 2013, p. 664; Kanijo, 2019, p. 73). وی براساس سه مشخصهٔ دوگانهٔ پویایی / ایستایی، لحظه‌ای / تداومی و کرانمند^۱ / غیر کرانمند^۲، افعال را به چهار طبقهٔ ایستا^۳، کنشی^۴، لحظه‌ای^۵ و پایا^۶ دسته‌بندی کرد. از میان طبقه‌های نمود واژگانی، افعال لحظه‌ای به افعالی اشاره می‌کند که در آن‌ها نقطهٔ شروع و پایان رویداد به گونه‌ای کوتاه است که تقریباً نادیده گرفته می‌شود. این افعال، نمود پایانی دارند و چون فاقد مراحل انجام هستند، معمولاً قابلیت استمرار ندارند. افعال لحظه‌ای را می‌توان به طور کلی در دو زیرگروه نقطه‌اوجی^۷ و رویدادی^۸ قرارداد. تحقق افعال لحظه‌ای نقطه‌اوجی، نیازمند مدت زمانی است که معمولاً این مدت زمان، استمرارپذیر است. برای نمونه، فعل «رسیدن» نیازمند طی کردن

¹ telic

² atelic

³ state

⁴ activity

⁵ achievement

⁶ accomplishment

⁷ culmination

⁸ happening

مسافتی است که گوینده پس از آن به مقصد مورد نظر می‌رسد. افعال لحظه‌ای رویدادی، مانند «منفجر شدن»، فاقد چنین مقدمه‌ای هستند و در یک لحظه اتفاق می‌افتد. پژوهش حاضر، به شیوه توصیفی-تحلیلی و در چارچوب دستور نقش و ارجاع به بررسی رفتار و کارکرد افعال لحظه‌ای در نمودهای دستوری گوناگون می‌پردازد. داده‌ها از وب‌گاه‌های اینترنت و گفت‌وگوهای روزانه انتخاب شده‌اند. بررسی داده‌ها برای پاسخ به دو پرسش اصلی این پژوهش است: نخست اینکه، تعامل افعال لحظه‌ای با نمودهای دستوری چگونه است؟ دوم آنکه، چه کارکردها و خوانش‌هایی در تعامل افعال لحظه‌ای و نمودهای دستوری وجود دارد؟

پژوهش حاضر، پنج بخش دارد. در بخش مقدمه، مسأله پژوهش، اهداف و شیوه پژوهش بیان شده‌است. بخش دوم به پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه نمود پرداخته‌است. در بخش سوم، دستور نقش و ارجاع به عنوان چارچوب نظری پژوهش معرفی شده‌است. در بخش چهارم، داده‌ها بررسی شده‌اند و بخش پایانی نیز به یافته‌های پژوهش اختصاص دارد.

۲. پیشینه پژوهش

یکی از نخستین مقاله‌هایی که در مورد نمود در زبان فارسی به نگارش درآمده‌است، مقاله جهان‌پناه تهرانی (Jahan Panah Tehrani, 1984) است. وی با معرفی مفهوم جدیدی از نمود، به بررسی افعال تداومی و لحظه‌ای پرداخته‌است. به باور وی، دو نمود لحظه‌ای و تداومی، نمودهای اصلی زبان فارسی هستند؛ افعال لحظه‌ای، حالات یا اعمالی هستند که در مدت کوتاهی جریان دارند، به طوری که این مدت زمان، تقریباً نادیده گرفته می‌شود، ولی پایان مشخص دارند؛ «افتادن، ایستادن و نشستن» جزء افعال لحظه‌ای هستند. افعال تداومی بیانگر اعمالی هستند که انجام آن‌ها با تداوم همراه است و آغاز و پایانشان مورد نظر نیست، مانند «بافتن، خوردن و غلت خوردن». وی به این نکته اشاره کرده‌است که حتی خارج از بافت جمله، فعل‌های لحظه‌ای همیشه لحظه‌ای هستند و فعل‌های تداومی همواره جنبه تداومی دارند؛ در صورتی که برخی افعال با توجه به بافت جمله و شواهد موجود، می‌توانند گاه جنبه لحظه‌ای و گاه جنبه تداومی داشته باشند. وی به دو مفهوم در حال وقوع و در شرف وقوع نیز اشاره کرده‌است که رساندن یکی از این دو مفهوم، به معنای خود فعل بستگی دارد و معمولاً از فعل‌های لحظه‌ای، مفهوم در شرف وقوع بودن و از فعل‌های تداومی، معمولاً مفهوم در حال وقوع بودن برداشت می‌شود؛ همچنین تفاوت افعال لحظه‌ای و تداومی فقط جنبه معنایی دارد و به ارزش کاربردی متفاوت منجر می‌شود. هر چند، این مقاله از نخستین مقاله‌هایی است که در باب نمود در زبان فارسی نگاشته شده ولی به تنوع نمود در زبان فارسی اشاره‌ای نکرده‌است؛ این بررسی از بُعد هم‌زمانی و از منظر دستوری و معنایی انجام گرفته و

صورت و معنا جدای از یک‌دیگر در نظر گرفته شده‌است. وحیدیان کامیار (Vahidiyan Kamyar, 1992) ضمن نقد مقاله جهان‌پناه‌تهرانی، نمونه دیگری از نمود را به دسته‌بندی وی افزوده‌است. این نمونه مربوط به افعالی است که در یک لحظه اتفاق می‌افتند، اما پایان نمی‌یابند و ادامه پیدا می‌کنند، مانند «خوابیدن و ماندن»؛ وی نمود این افعال را لحظه‌ای-تداومی نامیده‌است. به این ترتیب، وی افعال زبان فارسی را به سه دسته لحظه‌ای، تداومی و لحظه‌ای-تداومی دسته‌بندی کرده‌است. به باور وی، دسته‌بندی زمان افعال در زبان فارسی براساس ساخت آن‌ها انجام گرفته، در حالی که هر ساخت معمولاً چندین کاربرد مختلف دارد و اسم هر یک از زمان‌ها معمولاً با یکی از این کاربردها همخوانی دارد. وی در نقد خود به مقاله جهان‌پناه‌تهرانی به این نکته اشاره کرده‌است که همه افعالی که توسط وی، افعال لحظه‌ای در نظر گرفته شده‌اند، لحظه‌ای نبوده و در یک مقوله قرار نمی‌گیرند، بلکه به دو مقوله جداگانه تعلق دارند؛ یک دسته از افعال لحظه‌ای در مدت زمان کوتاهی رخ می‌دهند و تمام می‌شوند، مانند «ترکیدن» و دیگری افعال «لحظه‌ای-تداومی» که در لحظه اتفاق می‌افتند ولی پایان نمی‌یابند و ادامه پیدا می‌کنند، مانند «خوابیدن». ابوالحسنی چیمه (Abolhassani Chime, 2011) افعال لحظه‌ای را به سه گروه دسته‌بندی کرده‌است، افعال لحظه‌ای کوتاه، که با طول مدت بسیار کم، می‌توان آن‌ها را به صورت یک نقطه در نظر گرفت و در نمود ناقص، بر تکرار عمل دلالت دارند، مانند «سرفه کردن» و افعال «فرایندی-لحظه‌ای» که دو زیرگروه «فرایندی-لحظه‌ای-ایستا» و «فرایندی-لحظه‌ای-پایا» را در بر می‌گیرند؛ گروه اول سه مرحله دارند: آمادگی پیش از وقوع عمل که مرحله «فرایند» عمل را در شرف وقوع نشان می‌دهد، این مرحله می‌تواند تداوم داشته باشد؛ مرحله دوم، لحظه‌ای است که فعل انجام می‌شود ولی به قدری کوتاه است که برای آن نمی‌توان ساختار درونی در نظر گرفت و سپس مرحله ایستای فعل که در آن حالت باقی می‌ماند، مانند «نشستن». افعال گروه دوم، نمود پایانی دارند مانند «به دنیا آمدن»؛ نمود مستمر در افعال فرایندی-لحظه‌ای-پایا یا دلیل بر قریب به وقوع بودن فعل است و یا تکریری بودن آن. پژوهش‌های دیگری که در زمینه نمود در زبان فارسی انجام گرفته، عمدتاً به طبقه‌بندی نمودی افعال فارسی و یا بررسی نمود واژگانی یا دستوری در زبان فارسی یا گویشی خاص محدود است که برای نمونه می‌توان به مقاله دانش‌پژوه و همکاران (Daneshpazhouh et al., 2013)، عباسی (Abasi, 2015)، دستلان (Dastlan, 2018) و اکاتی و سنچولی (Okati & Sanchuli, 2018) اشاره کرد. تمایز پژوهش حاضر، بررسی باهم‌آیی نمود واژگانی و دستوری در مورد افعال لحظه‌ای و در چارچوب دستور نقش و ارجاع است.

۳. چارچوب نظری

دستور نقش و ارجاع، نظریه‌ای نقش‌گراست که در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی معرفی شد. در این نظریه، سطح انتزاعی جایگاهی ندارد و فقط یک سطح برای جمله در نظر گرفته می‌شود. در واقع ساخت نحوی با ساخت معنایی ترکیب می‌شود و ساخت معنایی، بخش اصلی را تشکیل می‌دهد؛ چون فعل، هسته اصلی جمله است، نقش اصلی را نیز به عهده دارد. در دستورهای نقش‌گرا، مهم‌ترین نقش زبان، نقش ارتباطی است که به صورت ارجاع و بیان گزاره اعمال می‌شود؛ یعنی، رویدادهایی که در جهان رخ می‌دهد و مشارکت‌کنندگانی که در آن دخیل هستند را بیان می‌کند. در دستور نقش و ارجاع، وضعیت‌های امر^۱ به چند گونه دسته‌بندی می‌شود که عبارت‌اند از موقعیت^۲، رویداد^۳، فرایند^۴ و کنش^۵ (Van Valin & Lapolla, 1997, p. 83). موقعیت‌ها، ثابت و غیر پویا هستند، رویدادها به‌طور لحظه‌ای روی می‌دهند، فرایندها در طول زمان، دستخوش تغییر می‌شوند و کنش‌ها، حالت پویای امور هستند که به واسطه مشارکت‌کننده، کاری انجام می‌گیرد؛ رویدادها و فرایندها دارای نقطه پایان و موقعیت‌ها و کنش‌ها فاقد نقطه پایان ذاتی هستند. دستور زبان‌های مختلف به صورت نظام‌مند بین دو نوع توصیف وضعیت امر تمایز قائل می‌شوند؛ آن‌هایی که لزوماً محدودیت و پایان دارند (مانند پیداکردن) و آن‌هایی که پایانی ندارند (مانند دانستن). این تمایز اساسی را ارسطو در دو گانه «Kinesis» و «Energeia» بنیان نهاد. در زبان‌شناسی معاصر، این تمایز به صورت «telic» و «atelic» شناخته می‌شود؛ ماهیت معنایی (و هستی‌شناختی) این تمایز و رمزگشایی آن در زبان‌های طبیعی، هسته مطالعات طبقه‌نمودی و نوع عمل^۶ را شکل می‌دهد (Filip, 2009, p. 2). طبقه‌بندی افعال براساس وضعیت مشخص، نخستین بار به وسیله وندلر (Vendler, 1957) انجام گرفت. وی افعال را با توجه به قیدهای زمان، زمان دستوری و تضمن منطقی در چهار طبقه ایستا، کنشی، پایا و لحظه‌ای قرارداد؛ پس از وی، طبقات دیگری افزوده شد، از جمله دوتی (Dowty, 1979) طبقه کنشی-پایا^۷ را به این افعال افزود و با بررسی این طبقات در زبان انگلیسی، آزمون‌های نحوی و معنایی برای تمایز آن‌ها ارائه داد. هر کدام از این طبقات، ویژگی‌های خود را دارا هستند. افعال ایستا، به کنش خاصی اشاره نمی‌کنند، از نظر زمانی نامحدود و صرفاً نشان‌دهنده حالت هستند؛ این افعال به دلیل غیر پویا بودن، قابلیت

1 state of affairs

2 situation

3 event

4 process

5 action

6 Aktionsart

7 active-accomplishment

استمرار ندارند. فعل‌های «خواستن و دانستن» ایستا هستند. افعال کنشی، مانند «دویدن و نوشتن»، بیانگر کنش و عمل هستند. این افعال، فاقد نمود پایانی و دارای مراحل هستند که نیازمند گذر زمان است و به دلیل زمان‌بر بودن، قابلیت استمراری دارند. در افعال لحظه‌ای، تغییر حالت به صورت لحظه‌ای اتفاق می‌افتد. این افعال، نمود پایانی ذاتی دارند. فعل‌هایی چون «رسیدن و افتادن» لحظه‌ای هستند. افعال پایا، مانند «بهبود یافتن و یاد گرفتن»، دارای نمود پایانی هستند، ولی تحقق آن‌ها نسبت به افعال لحظه‌ای، در مدت زمان بیشتری صورت می‌گیرد. افعال کنشی-پایا با افزوده شدن نمود پایانی به افعال کنشی ایجاد می‌شوند و تمام ویژگی‌های افعال کنشی به اضافه نمود پایانی را دارا هستند. همان گونه که اشاره شد افعال لحظه‌ای جزء افعال تغییر حالت و غیر تداومی هستند. در مورد هستی‌شناختی محمول‌های غیر تداومی دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد؛ اصطلاح «achievement» نخستین بار توسط رایلی (Ryle, 1949, p.149) به کار گرفته شد؛ وی این اصطلاح را برای اشاره به کنش‌های پایان-بنیاد^۱ به کاربرد و آن را در تقابل با افعال کنشی قرارداد که فاقد پایان یا نتیجه هستند. وندلر (Vendler, 1957, p. 103) افعال لحظه‌ای را افعالی می‌داند که در مدت زمان کوتاهی روی می‌دهند و تفاوت افعال لحظه‌ای و پایا را صرفاً در طول فرایند بیان می‌کند (Vendler, 1957, p. 147). فرید (Freed, 1979, p. 51) افعال لحظه‌ای را رویدادهایی بدون تداوم معرفی می‌کند. باور مورلاتس (Mourelatos, 1981, p. 192) بر این است که افعال لحظه‌ای می‌توانند به طور نامشخص در یک گستره زمانی تحقق یابند، ولی نمی‌توانند فی‌نفسه در طول یک گستره زمانی روی دهند. اسمیت (Smith, 1997, p. 291) افعال لحظه‌ای را تغییرات لحظه‌ای افعال ایستا می‌داند. کارلسون (Carlson, 2009, p. 50) افعال لحظه‌ای را افعالی معرفی کرده است که می‌توانند در یک نقطه جمع شوند ولی نمی‌توانند آزادانه گسترش پیدا کنند. معین و استیدمان (Moens & Steedman, 1988, p. 94) از اصطلاح «نقطه‌اوجی» برای افعال لحظه‌ای وندلر بهره می‌گیرد. به باور پینیون (Pinón, 1997, p. 281) افعال لحظه‌ای، به مرزهای (چپ یا راست) یک رویداد اشاره می‌کنند. گیارمتی (Gyarmathy, 2015, p. 9) سه زیرگروه برای افعال لحظه‌ای وندلر در نظر گرفته است، در زیرگروه اول، محمول‌هایی مانند «رسیدن و بُردن (مسابقه)» قرار می‌گیرند؛ این افعال، تغییر مدرج پیشینی را نشان می‌دهند که به ایجاد یک حالت منجر می‌شود. این محمول‌ها را بک (Bach, 1986, p. 62) «نقطه‌اوجی» نامیده است. زیرگروه دوم، محمول‌هایی چون «تشخیص دادن و منفجر شدن» هستند؛ در این افعال، حالتی که از پیش موجود است، به حالتی دیگر منجر می‌شود.

¹ end-oriented

بک (Bach, 1986, p. 62) این افعال را «رویدادی» نامیده‌است. در زیر گروه سوم محمول‌هایی مانند «ضربه زدن» قرار می‌گیرند که معین و استیدمان (Moens & Steedman, 1988, p. 95) آن‌ها را «نقطه‌ای» و اسمیت (Smith, 1997) «لمحه‌ای» نامیده‌است. افزون بر این، پنینون (Pinón, 1997) به دو ویژگی در مورد افعال لحظه‌ای اشاره می‌کند؛ نخستین ویژگی، عدم کاربرد این افعال، با قیدهایی مانند «نسبتاً و تاندازه‌ای» است، چراکه یک رویداد بدون تداوم، فاقد مرحله است. این قیدهایی می‌توانند بر مفعول سیطره داشته باشند (جمله ۲) ولی نمی‌توانند برای افعال لحظه‌ای به کار گرفته شوند (جمله ۱).

1. # Rebecca partly/ partially reached the summit. (Pinón, 1997, p. 279)

2. He partially/ partly reached the same conclusion as me.

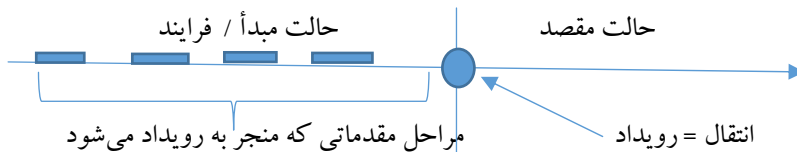
ویژگی دوم، عدم کاربرد این افعال با قیدهایی کنشگری مانند «با دقت» است. استفاده از این

قید مستلزم زمان بر بودن رویداد است که افعال لحظه‌ای فاقد آن هستند (جمله ۳) و (۴).

3. # Rebecca intentionally (attentively, conscientiously) reached the summit. (Pinón, 1997, p. 280)

4. # Astrid intentially (attentively, conscientiously) arrived.

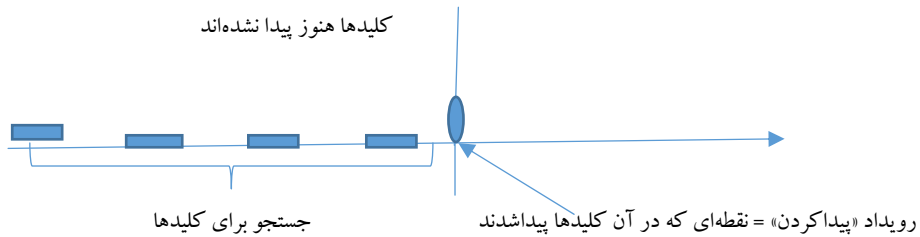
طرحواره زمانی افعال لحظه‌ای را می‌توان به صورت زیر نشان داد:



شکل ۱: طرحواره زمانی افعال لحظه‌ای (Nossalik, 2009, p. 2)

برای نمونه، در فعل «یافتن»، تغییر حالت، از موقعیتی که شیء پیدانشده تا موقعیتی که شیء مورد نظر یافت‌شده را شامل می‌شود. این رویداد معمولاً پایان جستجو برای یافتن شیء را نشان می‌دهد، هر چند ممکن است این یافتن به طور کاملاً مستقل از این مرحله رخ دهد. به بیان دیگر، فرد ممکن است بدون جستجو نیز شیء مورد نظر را پیدا کند. طرحواره زمانی جمله حاوی محمول لحظه‌ای «پیدا کردن» را می‌توان به صورت زیر نشان داد.

¹ point
² semelfactive



شکل ۲: طرحوارهٔ زمانی جملهٔ «علی کلیدها را پیدا کرد»

بر پایهٔ این طرحواره، اگر فعل «پیدا کردن» به صورت استمراری به کار رود، این استمرار، مراحل مقدماتی پیش از نقطهٔ پیدا کردن را در بر می‌گیرد، چون این محمول در یک لحظه و در نقطهٔ مشخص شده در طرحواره، تحقق می‌یابد و این نقطه، به دلیل کوتاه بودن، قابلیت استمرار ندارد. این نقطه، گذر از حالتی که کلید پیدا نشده به مرحله‌ای است که کلید پیدا شده است. پنینون (Pinón, 1997, p. 279) بر این باور است که افعال لحظه‌ای (نقطه‌اوجی) متفاوت از سایر محمول‌های کرانمند هستند چرا که همواره با قابلیت استمرار آن‌ها، یک تغییر معنای غیر قابل پیش‌بینی ایجاد می‌شود. برای نمونه، جملهٔ (۵) تعبیری مانند جملهٔ (۶) خواهد داشت.

5. He is winning the race.

6. He is leading the race.

بوتن و کرشنر (Botne & Kershner, 2000) چارچوبی پیشنهاد کرده‌اند که طبقات نمودی افعال را بر اساس سه فاز^۱ بالقوهٔ یک رویداد مشخص می‌کند؛ این سه فاز، فاز آغازین (آغاز^۲)، فاز میانی (هسته^۳) و فاز پایانی (پایانه^۴) هستند. فاز میانی یا هسته، مشخصهٔ برجسته و بارز رویداد و فاز آغاز، فاز ورود به رویداد است؛ فاز پایانه، حالت ناشی از رویداد را نشان می‌دهد که گاهی فاز حالت نتیجه‌ای نیز نامیده می‌شود. بر این اساس، تمام طبقات نمودی، فاز هسته دارند، در حالی که فازهای آغاز و پایانه اختیاری است و می‌تواند به وسیلهٔ هر طبقه نمودی از نظر واژگانی رمزگشایی بشود یا نشود.

بسط نظری تمایز نمود واژگانی و دستوری، در پژوهش‌های ساختاری و توصیفی سنتی در نیمهٔ اول قرن بیستم و در اروپا مورد توجه قرار گرفت (Filip, 2009, p. 3). نمود دستوری در چهار دسته نمود تام، ناقص، کامل و آینده‌نگر قابل بررسی است. در نمود تام، فعل به صورت یک کل نگریده می‌شود که نقطهٔ شروع و پایان را هم در بر می‌گیرد؛ در حالی که در نمود ناقص بر میانه

¹ phase

² onset

³ nucleus

⁴ coda

عمل، تمرکز می‌شود و به آغاز و پایان توجهی ندارد (Smith, 1997, p. 3). نمود استمراری، عادت و تکرار از مصادیق نمود ناقص هستند. کامری (Comrie, 1976, p. 16) نمود تام را نگاه به موقعیت به عنوان یک کل می‌داند، در حالی که در نمود ناقص، تمرکز اصلی بر ساختار درونی موقعیت است. تمایزی که بایبی و دیگران (Bybee et al., 1994, p. 161) در مورد مفهوم عادت و تکرار بیان می‌کنند این است که در مفهوم تکرار، فعل یک چرخه کامل، دربردارنده آغاز، میانه و پایان ذاتی، را شامل می‌شود که چندین بار در یک موقعیت انجام می‌گیرد. برای نمونه، فعل سرفه کردن، اگر چندین بار در یک موقعیت اتفاق بیفتد، بر مفهوم تکرار دلالت خواهد داشت، چراکه می‌توان برای هر بار سرفه کردن یک چرخه کامل از آغاز، میانه و پایان در نظر گرفت؛ افعالی که این چرخه کامل را نداشته باشند، نمی‌توانند مفهوم تکرار را منتقل کنند. در صورتی که این وضعیت در گستره زمانی بیشتری انجام پذیرد، مفهوم عادت در بر خواهد داشت. کامری (Comrie, 1976, p. 52) نمود کامل را متفاوت از نمود تام می‌داند؛ این نمود، بیانگر فعلی است که انجام گرفته یا در حال انجام است و نتیجه‌ای در پی دارد، در واقع نمود کامل، ارتباط بین دو نقطه زمانی را نشان می‌دهد که در یک سو، زمان بیان نتیجه از موقعیت پیشین و در سوی دیگر زمان موقعیت پیشین قرار دارد. ساخت‌های گذشته نقلی، گذشته نقلی استمراری، گذشته بعید و گذشته ابعاد از جمله ساخت‌هایی هستند که در زبان فارسی به نمود کامل اشاره می‌کنند. در نمود آینده‌نگر، توصیف حالت یا موقعیتی در زمان حال (یا گذشته) به موقعیت یا رویدادی در آینده مرتبط است (Comrie, 1976, p. 64). نمود آینده‌نگر همراستا با زمان آینده وجود دارد و تفاوت صورت و کاربرد آن‌ها، بازتاب دهنده تفاوت منشأ و قدمت دو ساخت است (Coghill, 2010, p. 359). در نمود آینده‌نگر هر چند ساخت صورتی فعل، آینده نیست ولی به تحقق فعل در زمان آینده اشاره می‌شود. در زبان فارسی، ساخت گذشته، ساخت‌های ناقص و برخی ساخت‌های کامل، می‌توانند با فرافکنی اشاری به مفهوم آینده‌نگر به کار روند.

۴. تجزیه، تحلیل و بررسی داده‌ها

افعال لحظه‌ای فاقد مرحله‌های جداگانه‌ای هستند، چون در مدت زمان نسبتاً کوتاهی اتفاق می‌افتند ولی نقطه پایان ذاتی دارند. در واقع نقطه شروع و پایان افعال لحظه‌ای همپوشانی بسیاری دارد. تمام موقعیت‌ها دارای مرز آغازین (راست) و مرز پایانی (چپ) هستند؛ این بدان معنا نیست که در توصیف یک موقعیت، الزاماً به این دو مرز اشاره می‌شود؛ همان گونه که گوینده در بیان دیگر مشخصه‌های موقعیت، آزاد است، می‌تواند این دو مرز را بیان کند و یا به آن‌ها اشاره‌ای نکند (Klein, 2009, p. 19). به نظر می‌رسد که در جریان بودن و کامل بودن عمل به طور طبیعی با این

مرزها، به ویژه با مرز چپ، در ارتباط است. به باور اسمیت (Smith, 1997, p. 301) نمود تام، رویدادها را با دو نقطه شروع و پایان نمایش می‌دهد و طرحواره زمانی نمود ناقص، بر قسمتی از موقعیت تمرکز می‌کند و نقطه شروع و پایان و به بیان دیگر، مرز راست و چپ را نادیده می‌گیرد. در واقع، می‌توان این گونه انگاشت که نمود، ابزاری برای مشخص کردن این مرزهاست. در بخش زیر باهم آبی افعال لحظه‌ای با نمودهای دستوری شامل نمود تام، ناقص، کامل و نمود آینده‌نگر بررسی شده‌است.

۴. ۱. افعال لحظه‌ای و نمود تام

در نمود تام، تحقق فعل به پایان رسیده و درمورد افعال لحظه‌ای، دال بر رسیدن به نقطه پایان ذاتی است. در جمله (۷) فعل «رسیدن» که فعلی نقطه‌اوجی است، در زمان کوتاهی تحقق یافته، هر چند برای تحقق آن، ممکن است مسافتی کوتاه یا طولانی طی شده باشد، ولی «رسیدن» به مکان مورد نظر در یک لحظه انجام گرفته و به پایان رسیده‌است. در جمله (۸) «منفجر شدن» در یک لحظه روی داده‌است. تفاوت این دو فعل در این است که برای تحقق افعال لحظه‌ای نقطه‌اوجی، نیاز به مقدمه‌ای است که در طول زمانی کوتاه و یا بلند منجر به تحقق فعل می‌شود، به‌عنوان مثال، برای «رسیدن» به یک مکان، باید مسافتی طی شود، خواه این مسافت کم و یا زیاد باشد، ولی افعال لحظه‌ای رویدادی، مانند «منفجر شدن»، در یک لحظه رخ می‌دهند. با این حال، هر دو می‌توانند با نمود تام و در مفهوم تحقق رویداد به کار روند.

۷. اعضای تیم پرسپولیس، دقایقی قبل به آبادان رسیدند.^۱

۸. سانچی بلافاصله پس از برخورد منفجر شد.^۲

۴. ۲. افعال لحظه‌ای و نمود ناقص

نمود ناقص، به صورت نمود استمراری و در مفهوم تکرار و عادت به کار می‌رود. در نمود ناقص، میانه عمل دارای اهمیت است و مرز آغازین و پایانی در حاشیه قرار دارند.

۴. ۲. ۱. افعال لحظه‌ای و نمود استمراری

نمود استمراری، به رویدادی اشاره می‌کند که در حال حاضر در جریان است، بنابراین رویدادهای زمان‌بر، قابلیت استفاده با نمود استمراری را دارند، ولی افعال لحظه‌ای چون در مدت زمان کوتاهی

^۱ <https://khabarfarsi.com/u/81742177>

^۲ <https://www.mehrnews.com/news/4200920/>

رخ می‌دهند، معمولاً با نمود استمراری به کار نمی‌روند (Pavey, 2010, p. 103). در واقع، تعارض معنایی بین مشخصه [+لحظه‌ای] در افعال لحظه‌ای و ویژگی در جریان بودن نمود استمراری با مشخصه [-لحظه‌ای] سبب می‌شود که افعال لحظه‌ای با نمود استمراری به کار نروند. ساده‌ترین روش برای رفع این تعارض، اختصاص ارزش [-لحظه‌ای] به فعلی است که مشخصه [+لحظه‌ای] دارد؛ در این صورت، فعل مورد نظر می‌تواند با نمود استمراری به کار رود. دوتی (Dowty, 1979, p. 54) افعال لحظه‌ای را فاقد استمرار می‌داند. به باور وی، این تعمیم کلی در مواردی مصداق پیدا نمی‌کند و نمونه‌های قابل قبولی وجود دارد که برخی افعال لحظه‌ای می‌توانند به صورت استمراری استفاده می‌شوند، افرادی چون کارلسون (Carlson, 1981)، فیلیپ (Filip, 1999) و دینی و برتینتو (Dini & Bertinotto, 1995) بر این باورند آن دسته از افعال لحظه‌ای که با تغییر تدریجی و پیوسته همراه هستند یا به اصطلاح بک (Bach, 1986) «نقطه‌اوجی» هستند، قابلیت استمرار دارند. به عقیده لیچ (Leech, 2004, p. 37) زمانی که افعال لحظه‌ای به صورت استمراری به کار گرفته می‌شوند، نه استمرار در تغییر حالت، بلکه در حال پیشرفت بودن یا استمرار مرحله مقدماتی آن مورد توجه است. بنابراین، آنچه استمرار دارد، مقدمات رسیدن، یعنی نزدیک شدن به مقصد است و نه محمول «رسیدن» چرا که این فعل نمی‌تواند فی‌نفسه دارای مراحل باشد. جمله (۹)، به در شرف وقوع بودن فعل «افتادن» اشاره می‌کند، چون این فعل در زمان کوتاهی روی می‌دهد و نمی‌تواند استمرار داشته باشد. در این جمله، هشدار وقوع رویداد نیز قابل درک است.

۹. مواظب باش، گلدان دارد می‌افتد^۱.

کاربرد افعال لحظه‌ای در نمود استمراری می‌تواند پنج تفسیر مختلف به همراه داشته باشد (Gyarmathy, 2015). نخستین تفسیر، «خوانش روند مقدماتی^۲» است که اغلب به قریب‌الوقوع بودن فعل اشاره می‌کند. در جمله (۱۰) استمرار در پیمودن مسیری که منجر به رسیدن به قله کوه می‌شود و در واقع، مراحل مقدماتی رسیدن به قله مورد توجه است؛ این استمرار را می‌توان، با توجه به دیدگاه بوتن و کرشنر (Botne & Kershner, 2000)، استمرار فاز آغازین رویداد دانست. در این جمله، قریب‌الوقوع بودن «رسیدن به قله»، با استمرار فعل بیان شده است، چرا که «رسیدن» به قله کوه در زمانی بسیار کوتاه رخ می‌دهد و این زمان، قابلیت استمرار ندارد. در جمله

^۱ جمله برگرفته از مکالمه‌های روزانه است.

^۲ preliminary process reading

(۱۱) مهمان‌ها در شرف رسیدن هستند و می‌توان استنباط کرد که در مسیر هستند و به زودی به مقصد خواهند رسید. افعال لحظه‌ای نقطه‌اوجی می‌توانند در این خوانش نمایان شوند.

۱۰. از مسیر صخره‌ای عبور کردیم و داشتیم به قله می‌رسیدیم^۱.

۱۱. هنوز اتاق پذیرایی را گردگیری نکرده‌ای، مهمان‌ها دارند می‌رسند^۲.

دومین تفسیر، «خوانش حرکت آهسته (دوربین)»^۳ است؛ فیلیپ (Filip, 1999, p. 114) این خوانش را «خوانش فیلم با حرکت کند»^۴ و کامری (Comrie, 1976, p. 43) «سناریوی حرکت آهسته»^۵ نام داده‌اند. در این خوانش، رویدادی که به واسطهٔ محمول لحظه‌ای توصیف و به صورت پیش‌فرض، بدون تداوم انگاشته می‌شود، شبیه رویداد تداومی رفتار می‌کند، در واقع به آن بسیار توجه کرده و به صورت رویدادی تداومی مشاهده می‌شود. محمولی که این رویداد را توصیف می‌کند، مانند افعال پایا عمل می‌کند و در نتیجه کاربرد آن به صورت استمراری مناسب خواهد بود. در جمله (۱۲)، به کنش مورد نظر بسیار توجه شده و به منظور تأکید و توجه به آن از نمود استمراری استفاده شده‌است. در این جمله، خوانش حرکت آهسته، با تمرکز بر رویداد، کاربرد فعل به صورت استمراری را امکان‌پذیر کرده‌است. کامری (Comrie, 1976, p. 43) این خوانش را برای محمول‌هایی ممکن می‌داند که در واقعیت، رویدادهایی آنی و بی‌درنگ نباشند، بلکه به مدت زمان کوتاهی نیاز داشته باشند.

۱۲. اواخر نمایش شاه‌لیر، بمب دارد منفجر می‌شود^۶.

سومین تفسیر، «خوانش تکراری»^۷ است که تفسیری متداول و چندرویدادی است و بیشتر در مورد افعال لمح‌های مصداق دارد. افعال لمح‌های، شبیه افعال لحظه‌ای و نمایانگر رویدادهایی هستند که مدت زمان کوتاهی تداوم دارند، ولی برخلاف افعال لحظه‌ای، تغییر حالتی در آن‌ها روی نمی‌دهد؛ برای نمونه، لامپ، پیش از چشمک‌زدن، خاموش و پس از چشمک‌زدن نیز خاموش است و تغییر حالت پایداری در آن ایجاد نمی‌شود (Pavey, 2010, p. 99). در زبان فارسی، فعل لحظه‌ای با نمود استمراری می‌تواند به تکرار یک فعل در گسترهٔ زمانی مشخصی اشاره کند، همان‌گونه که در جمله (۱۳) ساختار فعل، مفهوم تکرار را القا می‌کند.

¹ <http://chanlibel-maragha.blogfa.com/post/35>

² bidarshahr.blogfa.com/post/1131

³ slow-motion (camera) reading

⁴ slow-motion movie reading

⁵ slowed down scenario

⁶ <https://tp-tehran.ir/3-راهبردهای‌نمایشی>

⁷ iterative reading

۱۳. گفت که هنوز چراغ داشت چشمک می‌زد و اجازه‌نداشتی راه بیافتی^۱.

چهارمین تفسیر در پیوند با خوانش «استمرار در آینده^۲» یا فرافکنی اشاری است. این خوانش، محدود به افعال لحظه‌ای نیست و در مورد برخی افعال دیگر از جمله افعال کنشی نیز کاربرد دارد. در جمله (۱۴) کاربرد نمود استمراری برای اشاره به رویدادی است که با توجه به نوع و زمان باقی‌مانده بازی، پیش‌بینی نتیجه بازی را در بردارد و به احتمال برنده شدن تیم در آینده‌ای نزدیک اشاره می‌کند. این خوانش بیشتر با افعال لحظه‌ای نقطه‌اوجی کاربرد دارد.

۱۴. داریم می‌بریم. بازی دقیقه ۸۷ هست^۳.

پنجمین تفسیر، «خوانش گزارشی^۴» است. این خوانش، برای هر دو زیرگروه افعال لحظه‌ای کاربرد دارد و زمانی ممکن است که برای نمونه، گوینده در حال مشاهده رویدادی در یک فیلم است و آن را برای دیگری بیان می‌کند (جمله ۱۵).

۱۵. الآن، مرد عنکبوتی دارد از پنجره می‌افتد پائین^۵.

تبدیل مشخصه [+لحظه‌ای] به [-لحظه‌ای] سبب می‌شود که افعال لحظه‌ای به افعال دیگری تغییر کنند. هادلستون و پولام (Huddleston & Pullum, 2002, p. 121) به سه عامل اشاره می‌کند که منجر به تغییر فعل لحظه‌ای به فعل کنشی می‌شود؛ این عوامل مشتمل اند بر «تکرار^۶»، «افعال لحظه‌ای قابل گسترش^۷» و «آغاز رویداد^۸». با توجه به اینکه افعال لمح‌های، زیرمجموعه‌ای از افعال لحظه‌ای هستند، کاربرد این افعال با نمود استمراری، مفهوم تکرار را در بردارد؛ در زبان فارسی، این عوامل می‌توانند شرایط را برای کاربرد استمراری فعل لحظه‌ای هموار کند. در جمله (۱۶)، تکرار «در زدن»، سبب شده که این فعل لحظه‌ای بتواند قابلیت استمرار داشته باشد.

۱۶. دختر همسایه‌مان یک ساعت است پشت در خانه ما ایستاده و دارد درمی‌زند، اما ما، در را به روی اوباز نمی‌کنیم^۹.

افعال لحظه‌ای قابل گسترش، آن دسته از افعال لحظه‌ای را در بر می‌گیرند که با داشتن روند گسترشی، به نقطه اوج عمل منجر می‌شوند. جمله (۱۷) با داشتن این ویژگی، به صورت نمود استمراری به کار رفته است. در این جمله، استمرار در «پیدا کردن»، شامل استمرار مرحله جستجو

¹ kaam.blogfa.com/1391/02

² futurate progressive readnig

^۳ جمله برگرفته از مکالمه‌های روزانه است.

⁴ commentary reading

^۵ جمله برگرفته از مکالمه‌های روزانه است.

⁶ itiration

⁷ extendable achievements

⁸ inception of an event

⁹ <https://www.javanonline.ir/fa/news/1012396/>

برای رسیدن به نتیجه نهایی، که همان یافتنِ شتر بوده، است. در واقع، افعال لحظه‌ای قابل گسترش، افعالی پایا با مشخصه‌های [-ایستایی، + کرانمندی، - لحظه‌ای] هستند. در جمله (۱۷)، مراحل و در واقع فاز آغازین که برای یافتنِ شتر وجود دارد، سبب شده که این فعل به صورت استمراری به کار رود و همان گونه که اشاره شد، این استمرار به فاز آغازین فعل مربوط می‌شود.

۱۷. پس از مدتی سراغ شتر را گرفتم، گفت سفارش داده و دارند پیدا می‌کنند^۱.

عامل سوم، اشاره به آغاز یک رویداد است؛ جمله (۱۸) به شروع فعل اشاره می‌کند و بنابراین به عنوان فعل پایایی در نظر گرفته می‌شود که مشخصه [-لحظه‌ای] دارد. مشخصه [-لحظه‌ای] به این دلیل است که رویداد «منفجر شدن» حداقل برای مدت زمان محدودی ادامه پیدا می‌کند. در این جمله، شروع انفجار نارنجک، که باتوجه به وضعیت آن قابل درک است، سبب شده تا فعل «منفجر شدن» به صورت استمراری به کار رود.

۱۸. می‌گفت... یکی از بچه‌ها ضامن یک نارنجک را کشید و گذاشت وسط جمع... یکی از بچه‌ها که دید راستی راستی نارنجک دارد منفجر می‌شود... آن را به جایی بی‌خطر پرتاب کرد و صدای انفجار بلند شد^۲.

۴.۲.۲. افعال لحظه‌ای و نمود ناقص

نمود ناقص می‌تواند دو مفهوم تکرار و عادت را در برداشته باشد و تمایز این دو بیشتر از جنبه بافتی و کاربردی امکان‌پذیر است. در زبان فارسی مفاهیم نمود استمراری، تکراری، عادتی و تدریجی از دید صوری، تمایز مشخصی ندارند، با این وجود، نمی‌توان گفت که این مفاهیم نمودی در زبان فارسی وجود ندارد، زیرا در بافت گفتمان از نظر معنایی قابل تشخیص هستند (Rezai, 2012). با وجود این، اگر فعل لحظه‌ای چرخه کاملی را چندین بار و در گستره زمانی نسبتاً مشخص و محدودی انجام دهد، نشان‌دهنده تکرار عمل است و اگر چندین بار و در فواصل زمانی بیشتری انجام بگیرد، مفهوم عادت مورد توجه است. در جمله (۱۹) فعل «گذاشتن» به تحقق فعل در فاصله‌های زمانی اشاره می‌کند و عادت در انجام کار را نشان می‌دهد. در واقع این جمله، به گستره زمانی اشاره می‌کند که پایان مشخص ندارد. این مفهوم در جمله (۲۰) نیز وجود دارد، در این جمله وجود قید «همیشه» در دلالت به مفهوم عادت نقش دارد و عادت به دیر رسیدن در یک گستره زمانی وسیع مورد توجه است.

¹ <https://sharghdaily.com/fa/main/detail/66642/>

² <https://www.sharghonline.com/31263295/>

۱۹. در قدیم، سه پایه‌ای کنار بخاری می‌گذاشتند^۱.

۲۰. من همیشه دیر می‌رسم^۲.

در جمله (۲۱) فعل «اصابت کردن» در مورد یک گلوله فقط یک بار می‌تواند اتفاق بیفتد و در صورتی که چندین گلوله مورد نظر باشد، با این تفسیر که گلوله‌ها به صورت پی‌درپی برخورد می‌کردند و هر کدام نیز چرخه کاملی را می‌پیموندند، می‌توان مفهوم تکرار عمل را دریافت کرد.

۲۱. گلوله‌ها بدون خطا به هدف اصابت می‌کرد^۳.

۴.۳. افعال لحظه‌ای و نمود کامل

در نمود کامل، امتداد عمل از گذشته تا زمان حال مورد نظر است. نمود کامل، با چهار ساخت گذشته نقلی، گذشته نقلی استمراری، گذشته بعید و گذشته ابعید و با کارکردهای مختلف تجلی پیدا می‌کند.

۴.۳.۱. افعال لحظه‌ای، نمود کامل، ساخت گذشته نقلی

گذشته نقلی از یک سو با گذشته و از سوی دیگر با زمان حال پیوند دارد و می‌تواند به همه بازه زمانی رویدادی که از آن گفت‌وگو می‌شود و یا به هر بخشی از آن ارتباط داشته باشد. از بارزترین کارکردهای گذشته نقلی، آگاهی‌های غیر مستقیم، فراکنش زمانی، کارکرد تجربی، خبر داغ، کارکرد جهانی و شگفت‌نمایی است (Rahimifar et al., 2019). البته این کارکردها در مواردی ممکن است همپوشانی داشته باشند. در جمله (۲۲) هر چند کارکرد تجربی ساخت گذشته نقلی، به نتیجه و پیامد فعلی یافتن راهی برای نابودی ویروس اشاره دارد، می‌تواند به عنوان خبر داغ نیز انگاشته شود. جمله (۲۳) دارای کارکرد نتیجه‌ای است، از این رو که پس از ترکیدن لوله‌ها، وضعیت نابسامانی ایجاد شده که تا زمان گفتار باقی مانده و پیامد آن قابل مشاهده است. جمله (۲۴) با کارکرد گواه‌نمایی، ادعای فردی را بیان می‌کند که در مورد به‌شهادت رسیدن چهار فرد رپوده‌شده، مدرکی در اختیار داشته و یا آن را از کسی نقل قول کرده است.

۲۲. دانشمندان روس، راهی برای نابودی ویروس یافته‌اند^۴.

۲۳. درخت‌ها روی سقف خانه‌ها فرود آمده‌اند، لوله‌های آب ترکیده‌اند و پرچین خانه‌ها نابود شده‌است^۵.

¹ <http://www.barsadic.com/W?fid=199545>

² <https://virgool.io/@ermiya.miiim>

³ <https://www.irna.ir/news/81758630/>

⁴ <https://www.tala.ir/news/detail/64729/>

⁵ <https://shahrvand.com/archives/6812>

۲۴. سال ۹۷ هم گفت که این‌ها همان روز اول به شهادت رسیده‌اند.^۱

۴.۳.۲. افعال لحظه‌ای، نمود کامل، ساخت گذشته نقلی استمراری

هرچند کاربرد این ساخت به ویژه در گفتار و در اول شخص و دوم شخص محدود است (Rezai, 2014)، ولی در نوشتار برای دلالت بر افعالی که در گذشته انجام می‌گرفته‌اند و با کارکردهای مختلف به کار گرفته می‌شود. ساخت گذشته نقلی استمراری، استمرار یک رویداد را نشان می‌دهد و کارکردهای جهانی، پیوند با زمان گفتار، گواه‌نمایی و کارکرد تجربی را به نمایش می‌گذارد (Rahimifar et al., 2019). جمله (۲۵) با استناد بر مدارک و شواهد، به سقوط وال‌ها در دوره زمانی گذشته و تغذیه کرم زامبی^۲ از آن‌ها، اشاره می‌کند؛ نکته‌ای که در حال حاضر در مورد این کرم‌ها، مصداق پیدا نمی‌کند. جمله (۲۶) دارای کارکرد گواه‌نمایی است و آنچه بیان می‌شود، نقل قولی از تاریخ‌نگاران غربی است که در مورد پیدا کردن ظروف طلایی نظر داده‌اند. جمله (۲۷) به استمرار عمل در یک گستره زمانی مشخص، یعنی یک دوره ۲۵ ساله، اشاره می‌کند به گونه‌ای که پس از این مدت، این فعل به وسیله مرد چینی انجام نگرفته و یا شگرد وی در این کار، آشکار شده‌است.

۲۵. کرم زامبی متعلق به دسته‌ای از ارگانیزم‌ها بوده که از طریق جسد وال‌هایی که به کف اقیانوس سقوط می‌کرده‌اند، تغذیه می‌کرد.^۳

۲۶. مورخان غربی می‌گویند، در روستاهای اطراف و در خانه‌های مردم عادی، ظروف طلایی پیدا می‌کرده‌اند که نشان می‌دهد مردم یک رفاه نسبی داشته‌اند.^۴

۲۷. مرد چینی، ۲۵ سال با یک دست گردو می‌شکسته‌است.^۵

۴.۳.۳. افعال لحظه‌ای، نمود کامل، ساخت گذشته بعید

گذشته بعید از زمان‌های دستوری است که تقدم بر زمان جهت‌یابی گذشته را نشان می‌دهد (Budi Putra Johan, 2017). بودی پوترا جوهان (Khoshdoni Farahani et al., 2018). مهم‌ترین کارکردهای گذشته بعید در زبان انگلیسی را ارائه اطلاعات پس‌زمینه، بیان جملات دال بر علت و معلول، بیان نقل قول و انتقال اطلاعات بیشتر با استفاده از بند موصولی بر شمرده‌است. جمله (۲۸) با کارکرد علت و معلول، نشان می‌دهد که توالی دو رویداد انجام ورزش و به خواب

^۱ <https://www.hamshahrionline.ir/news/528979/>

^۲ Zombie worm

^۳ <https://www.isna.ir/news/lermanshah-23469/>

^۴ <https://www.irna.ir/news/83179530/>

^۵ <https://rooziato.com/139550256/>

رفتن در چه فاصله‌ای از یکدیگر انجام گرفته‌است و جمله (۲۹) اطلاعات پس‌زمینه‌ای را منتقل می‌کند.

۲۸. افرادی که ساعت ۸ شب، ورزش هوازی انجام داده بودند، چند ساعت بعد بهتر به خواب رفته بودند.^۱

۲۹. سوپ جو را روی میز گذاشته بود.^۲

۴.۳.۴. افعال لحظه‌ای، نمود کامل، ساخت گذشته ابعدا

گذشته ابعدا، انجام گرفتن کار یا بودن امری را در گذشته دور یا دورتر می‌رساند و گوینده یا نویسنده معمولاً از وقوع فعل به طریق نقل قول خبر می‌دهد (Ahmadi Givi, 2001, p. 459). معمولاً تحقق فعل در این ساخت در زمان گذشته به پایان رسیده و برخلاف ماضی نقلی، دوام آن به زمان حال منتقل نمی‌شود. در جمله (۳۰) ریختن زهر در غذا در زمانی دور در گذشته انجام شده و فاز آغازین، میانی و پایانی این فعل در زمان گذشته بوده‌است. در جمله (۳۱) گذاشتن گوشی روی داشبورد، در زمان گذشته انجام گرفته‌است. کارکرد این ساخت، دال بر گواه‌نمایی است که به واسطه شواهد مستقیم و یا غیر مستقیم امکان‌پذیر است. در شواهد غیرمستقیم، امر یا به صورت گزارش شده^۳ و یا به صورت استنباطی^۴ گواه‌نمایی می‌شود (Ziamajidi & Haghbin, 2018). در کارکرد گواه‌نمایی ساخت گذشته ابعدا در مورد افعال لحظه‌ای به نظر می‌رسد که بیشتر گواه‌نمایی به واسطه شواهد غیر مستقیم است. برای نمونه، در جمله (۳۲) نویسنده خبر، خود شاهد افتادن چاه کن در چاه نبوده و به واسطه نقل قول دیگران و یا استنباط از شرایط و مدارک موجود، این جمله را بیان کرده‌است.

۳۰. سبب این بیماری را برخی زهری دانسته‌اند که کرامیان در غذای او ریخته بوده‌اند.^۵

۳۱. وی دو گوشی گلکسی اس ۴ و اس ۹ سامسونگ را در داشبورد خودروی خود گذاشته بوده‌است.^۶

۳۲. چاه کنی که در داخل چاه سقوط کرده بوده‌است، جان خود را از دست می‌دهد.^۷

هر دو زیرگروه افعال لحظه‌ای، با توجه به بافت و ملاحظات معنایی، می‌توانند با کارکردهای

¹ <https://www.beytoote.com/sport/public-sport/exercise6-work-dream.html>

² <https://www.asriran.com/fa/news/568339/>

³ reported evidence

⁴ inferred evidence

⁵ <http://hadith.net/post/1713/>

⁶ <https://khabarban.com/a/19126785>

⁷ <https://www.farsnews.ir/news/13931007000477/>

مختلف در نمود کامل به کار روند.

۴.۴. افعال لحظه‌ای و نمود آینده‌نگر

افعال لحظه‌ای معمولاً فاقد استمرار در نظر گرفته می‌شوند ولی همان گونه که در بخش پیشین اشاره شد، یکی از خوانش‌های افعال لحظه‌ای در نمود استمراری، خوانش تحقق رویداد در آینده یا همان نمود آینده‌نگر است.

۴.۴.۱. افعال لحظه‌ای، نمود تام، مفهوم آینده‌نگر

افعال لحظه‌ای در نمود تام، می‌توانند بیانگر نمود آینده‌نگر باشند. توانگر و عموزاده (2006) با بررسی فرافکنی اشاری زمان گذشته ساده به آینده به این نتیجه رسیده‌اند که نقش بافت، انگیزه‌های کاربردشناختی، عوامل اجتماعی و فرهنگی در این مورد غیر قابل انکار است. عموزاده (2006) یکی از کاربردهای گذشته دستوری در گفتگوهای روزمره را برای اشاره به آینده بیان کرده و بر این باور است که با دیدگاهی صرفاً دستوری، نمی‌توان این کاربرد غیر متعارف از زمان گذشته را تحلیل کرد و چنین کاربردی بافت-وابسته است و قطعیت را نشان می‌دهد. در جمله (۳۳) هر چند فعل لحظه‌ای نقطه‌اوجی به زمان گذشته ارجاع می‌دهد، ولی در واقع به وقوع عمل در آینده اشاره دارد. زمان این جمله، نسبی است، چون به زمانی غیر از زمان بیان جمله ارجاع می‌دهد. در صورتی که در جمله (۳۴) که کاربرد متعارف زمان گذشته است، دقیقاً به رویداد رسیدن فرد در زمان گذشته اشاره می‌شود. جمله (۳۵) احتمال «شکستن»، به عنوان فعلی رویدادی در آینده نزدیک بیان می‌شود، در حالی که زمان فعل، گذشته است.

۳۳. رسیدم خونه، خبرمی دهم.^۱

۳۴. رسیدم اداره، ساعت که می‌زدم، ساعت هفت و نیم بود.^۲

۳۵. فقط دستش رو جلوی صورتش گرفته بود، شیشه شکست، به صورتش نخوره.^۳

۴.۴.۲. افعال لحظه‌ای، نمود استمراری، مفهوم آینده‌نگر

یکی از خوانش‌های افعال لحظه‌ای نقطه‌اوجی در ساخت استمراری، اشاره به امکان تحقق فعل در

^۱ جمله برگرفته از مکالمه‌های روزانه است.

^۲ <https://article.tebyan.net/237351/>

^۳ جمله برگرفته از مکالمه‌های روزانه است.

آینده است. جمله (۳۶) به تحقق فعل در آینده اشاره می‌کند. همان گونه که در طر حواره این افعال بیان شد، تحقق چنین افعالی، مستلزم مقدمه‌ای است که می‌تواند مدت زمانی را در بر گیرد و استمرار این افعال، در واقع دال بر استمرار این مقدمه یا فاز آغازین است و نه خود فعل.
۳۶. نیروهای کمکی دارند می‌رسند.^۱

۴. ۴. ۳. افعال لحظه‌ای، نمود ناقص، مفهوم آینده‌نگر

فعل لحظه‌ای به صورت نمود ناقص می‌تواند به تحقق فعل در آینده اشاره کند. در جمله (۳۷) «منفجر شدن»، رویدادی است که در آینده محقق خواهد شد؛ وجود قید زمان، در القای مفهوم آینده تعیین کننده است. در جمله (۳۸)، رسیدن به مقصد در گستره زمانی مشخص شده که در گروه قید زمان آمده، تحقق می‌پذیرد و هر دو جمله به آینده اشاره دارند.
۳۷. به زودی ماهواره‌ای در فضا منفجر می‌شود.^۲
۳۸. پیاده زودتر به مقصد می‌رسیم.^۳

۴. ۴. ۴. افعال لحظه‌ای، نمود کامل، مفهوم آینده‌نگر

انگیزه اصلی از فرافکنی گذشته نقلی به آینده، بیان قطعیت وقوع رخداد است و به این منظور، اغلب جمله باید مثبت باشد و وجود یک قید زمان که به بازه زمانی محدودی در آینده اشاره کند، الزامی است (Amoozadeh et al., 2017). در جمله (۳۹) رسیدن مهمان‌ها، در آینده نزدیک تحقق می‌یابد، هر چند ساخت صوری جمله، به صورت نمود کامل است. وجود قید زمان، در اشاره جمله به زمان آینده نقش دارد و در صورتی که این قید در جمله نباشد، مانند جمله (۴۰)، فقط کارکرد متعارف ساخت گذشته نقلی، کارکرد نتیجه‌ای، مورد نظر است.
۳۹. کارها رو تمام کن، مهمان‌ها تا یک ساعت دیگه رسیده‌اند.^۴
۴۰. مهمان‌ها رسیده‌اند. تو هم زودتر بیا خونه.^۵

۵. نتیجه‌گیری

افعال لحظه‌ای، جزء افعال تغییر حالت هستند که در یک لحظه روی می‌دهند و نمود پایانی دارند.

^۱ <http://hayat.ir/125-3-113803>

^۲ <https://www.mehrnews.com/news/4834686/>

^۳ <https://www.parsnews.com/122598/>

^۴ جمله‌ها برگرفته از مکالمه‌های روزانه است.

^۵ جمله‌ها برگرفته از مکالمه‌های روزانه است.

افعال لحظه‌ای در این پژوهش در دو زیرگروه قرار گرفته‌اند؛ افعال لحظه‌ای «نقطه‌اوجی»، مانند «رسیدن» که تحقق‌نهایی عمل در آن نیاز به مقدمه‌ای دارد و آن پیمودن مسافتی است که در فاز میانی فعل انجام می‌گیرد و می‌تواند زمانی کوتاه یا طولانی را پوشش دهد؛ در مقابل، افعال «رویدادی» هستند که معمولاً به چنین مقدمه‌ای نیاز ندارند و در لحظه رخ می‌دهند، مانند «منفجر شدن، افتادن و شکستن». در مورد تعامل افعال لحظه‌ای با انواع نمودهای دستوری و در راستای پاسخ به پرسش‌های پژوهش، بررسی داده‌ها نشان داده‌است که افعال لحظه‌ای نقطه‌اوجی و رویدادی قابلیت استفاده در نمود تام را دارند؛ در این حالت، فعل به رویدادی اشاره می‌کند که در گذشته دور یا نزدیک تحقق یافته و به پایان رسیده‌است؛ در واقع هر سه فاز آغازین، میانی و پایانی افعال لحظه‌ای در نمود تام، در زمان گذشته تحقق و پایان یافته‌اند. افزون بر این، یکی از کارکردهای زمان گذشته، که در مورد افعال لحظه‌ای نیز مصداق پیدا می‌کند، فرافکنی اشاری است که به تحقق فعل در زمان آینده ارجاع می‌دهد. افعال لحظه‌ای نقطه‌اوجی و رویدادی در نمود ناقص و استمراری می‌توانند پنج خوانش «روند مقدماتی، حرکت آهسته، تکراری، فرافکنی اشاری و گزارشی» داشته باشند. هر چند مشخصه [+لحظه‌ای] در افعال لحظه‌ای و [-لحظه‌ای] در نمود استمراری در تعارض است، ولی در برخی خوانش‌ها و با توجه به بافت جمله، افعال لحظه‌ای قابلیت استمرار پیدا می‌کنند و به نوعی ارزش [+لحظه‌ای] خود را از دست می‌دهند و به گونه‌ای تعبیر می‌شوند که با ساخت مورد استفاده، تناسب و همگونی داشته باشند. در واقع، برخی افعال لحظه‌ای می‌توانند تحت تأثیر عوامل بافتی و کاربردی، از جمله تکرار، قابلیت گسترش فعل و آغاز رویداد، مانند افعال کنشی رفتار کنند و در این صورت، می‌توانند مانند افعال کنشی به کار روند. بررسی داده‌ها نمایانگر این است که افعال لحظه‌ای در نمود کامل، می‌توانند کارکردهای مختلفی از جمله کارکرد جهانی، خبر داغ، تجربی و گواه‌نمایی داشته باشند. در نمود آینده‌نگر، مثبت‌بودن جمله و وجود گروه قیدی زمان که به آینده دلالت کند، تعیین‌کننده است؛ به گونه‌ای که حذف گروه قیدی زمان و منفی‌بودن جمله، فرافکنی اشاری را در بر نخواهد داشت و فقط همان کارکرد متعارف را منتقل می‌کند.

فهرست منابع

- ابوالحسنی چیمه، زهرا (۱۳۹۰). «انواع نمود واژگانی در افعال فارسی». *ادب فارسی*. دوره ۱. شماره ۶. شماره پیاپی ۱۹۳. صص ۱۰۱-۱۲۰.
- احمدی گیوی، حسن (۱۳۸۰). *دستور تاریخی فعل*. ج ۱. تهران: نشر قطره.
- اکاتی، فریده و سنچولی، عطاالله (۱۳۹۷). «نمود استمراری در زبان فارسی براساس نظریه پیش نمونگی». *زبان پژوهی*. سال ۱۰. شماره ۲۹. صص ۲۱۹-۲۴۱.
- جهان پناه تهرانی، سیمین دخت (۱۳۶۳). «فعل های تداومی و لحظه ای». *زبان شناسی*. سال ۱. شماره ۲. صص ۶۴-۱۰۰.
- خوشدونی فراهانی، اکرم و همکاران (۱۳۹۷). «بررسی ماضی بعید در دامنه آینده». *زبان شناسی و گویش های خراسان*. شماره ۱۹. صص ۲۳-۴۶.
- دانش پژوه، فاطمه و کریمی دوستان، غلامحسین، زینب محمد ابراهیمی و بلقیس روشن (۱۳۹۲). «ماهیت نمود واژگانی فعل و رابطه آن با تکواژ ستاک ساز غیر معلوم *Id* در کردی سورانی». *زبان شناسی و گویش های خراسان*. سال ۵. شماره ۸. صص ۵۳-۸۰.
- دستان، مرتضی (۱۳۹۷). «نمود تکرار در زبان فارسی؛ نگاهی نو بر پایه سازو کار دوگان سازی». *زبان فارسی و گویش های ایرانی*. سال ۳. دوره ۱. شماره ۵. صص ۷۵-۹۱.
- رحیمی فر، منصور، والی رضایی و رضوان متولیان (۱۳۹۸). «نگرشی رده-شناختی به کارکرد ساخت های کامل در زبان فارسی». *زبان شناسی و گویش های خراسان*. سال ۱۱. شماره ۱. شماره پیاپی ۲۰. صص ۱۱۱-۱۳۹.
- رضایی، والی (۱۳۹۱). «نمود استمراری در فارسی معاصر». *فنون ادبی*. سال ۴. شماره ۱. صص ۷۹-۹۲.
- رضایی، والی (۱۳۹۳). «گواه نامی در زبان فارسی امروز». *پژوهش های زبانی*. سال ۵. شماره ۱. صص ۲۱-۴۰.
- ضیاءمجیدی، لیلا و فریده حقیقین (۱۳۹۷). «نگاهی در زمانی به نمود کامل در زبان فارسی و کاربرد گواه نامی آن». *ویژنامه فرهنگستان*. شماره ۱۴. صص ۱۴۱-۱۷۲.
- عباسی، زهرا (۱۳۹۴). «نمود واژگانی افعال مرکب در گویش بیرجندی». *زبان شناسی و گویش های خراسان*. شماره پیاپی ۱۳. صص ۳۹-۶۰.
- عموزاده، محمد، معصومه دیانتی و زلیخا عظیم دخت (۱۳۹۶). «ابعاد معناشناختی فراکنی اشاری ماضی نقلی در زبان فارسی». *پژوهش های زبانی*. سال ۸. شماره ۱. صص ۹۹-۱۱۶.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۱). «فعل های لحظه ای، تداومی، لحظه ای-تداومی». *زبان شناسی*. سال ۹. شماره ۲. صص ۷۰-۷۵.

References

- Abasi, Z. (2015). Lexical aspect of compound verbs in Birgandi dialect. *Journal of Linguistics and Khorasan Dialects*, 13, 39-60. [in Persian]
- Abolhassani Chime, Z. (2011). Types of lexical aspect in Persian verbs. *Persian Literature*, 1(6), 193, 101-120. [in Persian]
- Ahmadi Givi, H. (2001). *Historical grammar of verb*. Tehran: Nashr-e Ghatre [in Persian].
- Amoozadeh, M. (2006). Pragmatic perspective on the preterite in Persian. *Journal of Social Sciences and Humanities of Shiraz University*, 23(1), 11-20.
- Amoozadeh, M., Dianati, M., & Azimdokht, Z. (2017). Diectic projection of present perfect in Persian: A semantic analysis. *Journal of Language Researches*, 8 (1), 99-116. [in Persian]
- Bach, E. (1986). The algebra of events. *Linguistics and Philosophy*, 9, 5-19.
- Botne, R. & Kershner, L.T. (2000). Time, tense and the perfect in Zulu. *Africa und Ubersee*, 83, 161-180.
- Budi Putra Johan, S. (2017). A corpus-based analysis of English past perfect tense in written and spoken English, *People. International Journal of Spcial Sciences*, 3(3), 624-643.
- Bybee, J., Perkins, R. & Pagliuca, W. (1994). *The evolution of grammar: tense, aspect and modality in the languages of the world*. Chicago: The University of Chicago Press.
- Coghill, E. (2010). The grammaticalization of prospective aspect in a group of Neo-Aramaic dialects. *Diachronica*, 27, 359-410.
- Carlson, L. (1981). Aspect and quantification. In P. Tedeschi and A. Zaenen (Eds.), *Tense and aspect*, Volume 14 of *Syntax and semantics* (pp. 31-64). New York: Academic Press.
- Carlson, L. (2009). *Tense, mood, aspect, diathesis: Their logic Nd Typology*. University of Helsinki Publishing.
- Comrie, B. (1976). *Aspect*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Daneshpazhouh, F., Karimi Doustan, Gh., Mohammad Ebrahimi, Z., & Roushan, B. (2013). The nature of verb lexical aspect and its relation to rā /rē non-active morpheme in Sorani Kurdish. *Journal of Linguistics and Khorasan Dialects*, 5 (8). 53-80 [in Persian].
- Dastlan, M. (2018). Iterative aspect in Persian; A new perspective on the basis of reduplication. *Persian Language and Iranian Dialects*, 3 (1), 5, 75-91. [in Persian]
- Dinni, L. & Bertinetto, P. M. (1995). Punctual verbs and the linguistic ontology of events. Paper presented at *Fact and Events Conference*, Trento, Italy.
- Dowty, D. R. (1979). *Word meaning and montague grammar*. Dordrecht: Kluwer Academic Publisher.
- Filip, H. (1999). *Aspect, eventuality types and nominal Reference*. New York: Routledge.
- Filip, H. (2009). Aspectual class and aktionsart. In K. Von Heusinger, C. Maienborn and P. Portner (Eds.), *Semantics: An international handbook of natural language meaning*, (vol 2; pp. 1186-1217). Berlin: De Gruyter Mouton
- Freed, A.H. (1979). *The semantics of English aspectual complementation*. Dordrecht: D. Reidel Publishing Company.
- Gyarmathy, Z. (2015). *Achievements, durativity and scales* (Doctoral dissertation). Heinrich-Heine-Universität Düsseldorf, Budapest, Ungarn.

- Huddleston, R., & Pullum, G. K. (2002). *The Cambridge grammar of the English language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Jahan Panah Tehrani, S. (1984). Punctual and durative verbs. *Journal of Linguistics*, 1(2), 64-103. [in Persian]
- Kanijo, P.S. (2019). *Aspectual classes of verbs in Nyamwezi* (Doctoral dissertation). University of Gothenburg, Gothenburg, Sweden.
- Khoshdoni Farahani, A., et al. (2018). An investigation of past perfect in future domain. *Journal of Linguistics and Khorasan Dialects*, 19, 23-46 [in Persian].
- Klein, W. (2009). How time is encoded. *The Expression of Time*, 3, 1-43.
- Leech, G. (2004). *Meaning and the English verb*. London and New York: Routledge.
- Moens, M., & M. Steedman. (1988). Temporal ontology and temporal reference. *Computational Linguistics*, 14 (2), 15- 28.
- Mourelatos, A. P. D. (1981). Events, processes and states. In P. J. Tedeschi and A. Zaenen (Eds.), *Tense and aspect (syntax and semantics 14)* (pp. 191-212). New York: Academic Press.
- Nossalik, L. (2009). Slavic inceptive verbs: Accomplishments or achievements. *Proceedings of the annual conference of the Canadian Linguistic Association*. McGill University.
- Okati, F., & Sanchuli, A. (2018). The imperfect aspect in Persian based on the prototype theory. *Journal of Language Research Zabanpazhuhi*, 10 (29), 219-241 [in Persian].
- Pavey, E. L. (2010). *The structure of language: An introduction to grammatical analysis*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Peck, J., Lin, J., Sun, Ch. (2013). Aspectual classification of Mandarin Chinese verbs: A perspective of scale structure. *Language and Linguistics*, 14 (4), 663-700.
- Pinón, Ch. (1997). Achievements in an event semantics. In A. Lawson (Eds.), *Proceedings of SALT VII* (pp. 273-296).
- Rahimifar, M., Rezai, V., & Motavalian, R. (2019). A functional-typological approach to perfect constructions in Persian. *Journal of Linguistics and Khorasan Dialects*, 1 (20), 111-139. [in Persian]
- Rezai, V. (2012). Progressive aspect in contemporary Farsi. *Fonoon-e Adabi*, 14 (1), 79-92 [in Persian].
- Rezai, V. (2014). Evidentiality in contemporary Persian. *Journal of Language Researches*, 5 (1), 21-40 [in Persian].
- Ryle, G. (1949). *The concept of mind*. Chicago: University of Chicago Press.
- Smith, C. (1997). *The parameter of aspect*. Amsterdam: Kluwer Academic Press.
- Tavangar, M., & Amouzadeh, M. (2006). Deictic projection: An inquiry into the future-oriented past tense in Persian. *Studia Linguistica*, 60 (1), 97-120.
- Tenny, C. (1987). *Grammaticalizing aspect and affectedness* (PhD dissertation). Massachusetts Institute of Technology, Massachusetts, USA.
- Vahidian Kamyar, T. (1992). Punctual, durative and punctual-durative verbs. *Journal of Linguistics*, 9 (2), 70-75. [in Persian]
- Van Valin, R. D., & Lapolla, R. J. (1997). *Syntax: structure, meaning, and function*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Vendler, Z. (1957). Verbs and times. *The Philosophical Review*, 66(2), 143-160.
- Ziamajidi, L., & Haghbin, F. (2018). A diachronic analysis of perfect aspect in Persian and its evidentiality marking. *Vijename Farhangestan*, 14, 141-172. [in Persian].

وب‌گاه‌ها

<https://khabarfarsi.com/u/81742177>
<https://www.mehrnews.com/news/4200920/>
<http://chanlibel-maragha.blogfa.com/post/35>
bidarshahr.blogfa.com/post/1131
<https://tp-tehran.ir/3-راهبردهای-نمایشی->
<kaam.blogfa.com/1391/02>
<https://www.javanonline.ir/fa/news/1012396/>
<https://sharghdaily.com/fa/main/detail/66642/>
<https://www.sharghonline.com/31263295/>
<http://www.barsadic.com/W?fid=199545>
<https://virgool.io/@ermiya.miiim>
<https://www.irna.ir/news/81758630/>
<https://www.tala.ir/news/detail/64729/>
<https://shahrvand.com/archives/6812>
<https://www.hamshahrionline.ir/news/528979/>
<https://www.isna.ir/news/lermanshah-23469/>
<https://www.irna.ir/news/83179530/>
<https://rooziato.com/139550256/>
<https://www.beytoote.com/sport/public-sport/exercise6-work-dream.html>
<https://www.asriran.com/fa/news/568339/>
<http://hadith.net/post/1713/>
<https://khabarban.com/a/19126785>
<https://www.farsnews.ir/news/13931007000477/>
<https://article.tebyan.net/237351/>
<http://hayat.ir/125-3-113803>
<https://www.mehrnews.com/news/4834686/>
<https://www.parsnews.com/122598/>